

خلوت در عرفان اسلامی

دکتر خسرو ظفرنوائی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده مقاله:

یکی از مفاهیمی که در رفتار انسانی و فراز و نشیب زندگی اجتماعی طی قرون گذشته در حاله‌ای از ابهام فرو رفته و گرد تشویش بر آن نشسته موضوع خلوت می‌باشد. در این مقاله تلاش شده تا از طریق بررسی اهمیت و جایگاه خلوت در قرآن کریم، سخنان معصومین (ع) و عرفای بنام اسلامی مرتفع گردد. برابر این پژوهش خلوت دارای جنبه‌های ظاهری و باطنی است که جنبه‌های ظاهری آن به عنوان ابزاری است که سالک در شرایط و مواقع خاص با تجویز شیخ و مرشد و با رعایت اصول شرعی و با هدف تزکیه نفس و جلا بخشیدن به آینه دل از این امکان بهره می‌گیرد و جنبه‌های باطنی خلوت که همان تداوم مراقبت و استمرار ذکر و مداومت در تفکر و ترک علایق و بندگی خداوند متعال می‌باشد.

و پرواضح است که آنچه مقصود شرع مقدس است همین حقیقت خلوت و جنبه‌های باطنی آن است که با درست پیمودن مسیر سلوک و طی منازل خلوت ظاهر در حد اعتدال میسر می‌شود.

کلید واژه‌ها:

خلوت، سلوک، معاشناسی، ذکر، چله‌نشینی، ریا، عجب.

معناشناسی خلوت:

با توجه به آنچه در لغت نامه‌ها بر می‌آید، کلمه خلوت به معنای تنها نشینی است، اما به نظر می‌رسد که خلوت گزیدن در عرفان فقط به معنای تنها نشینی نباشد، بلکه مستلزم آدابی خاص است. کاشانی خلوت را به معنی حدیث گفتن و محادثه و سری سخن گفتن با حضرت حق می‌داند. از این تعریف چنین فهمیده می‌شود که هدف از خلوت عارفانه دوری گزیدن از خلق برای متوجه ساختن دل و جان به حضرت حق و سخن گفتن با او برای نیل به مقام قرب است. پس خلوت گزیدن از خلق قرب به حق است.

در سایر کتب اصطلاحی آنچه ذکر شده نیز مؤید همین معناست:

خلوت به معنای انزوا و انقطاع از خلق است تا آنکه سالک از حجب وجود تکثرات غیر بگذرد و به خلوتگاه وحدت برسد.

یعنی خلوت نشین برای نیل به حق باید دل خویش را از همه آنچه اطراف او متعلق به حواس ظاهر و نفس است، خالی کند، تا آنکه قلب او استعداد ذکر حقیقی حق و قرب حضرتش را پیدا کند.

خلوت در اصطلاح صوفیه عبارت است از عزلت. به عبارت دیگر محادثه‌ای سری است با حق، به نحوه‌ای که غیر مجال نیابد و این حقیقت و معنای خلوت است اما صورت خلوت انقطاع از غیر است.

شاه نعمت‌الله گوید «خلوت، عبارت از مجموعه‌ای است از انواع مخالفت نفس از تقلیل طعام و قلت منام، صوم ایام، قلت کلام، ترک مخالطت انام، مداومت ذکر ملک علام و نفی خواطر»^۱.

ابن عربی خلوت را گفتگوی سر با حق می‌داند به نحوی که جز حق را نبیند و این حقیقت خلوت و معنای آن است.

خلوت در حقیقت وحدت است که در آن زیر و بالایی و پروایی نیست. هر چه هست هموست ولی هر که در وحدت گم شود، از همه ارادتها خالی است مگر از ارادت دوست.

تا محقق شود که خلوت در حقیقت وحدت است

گفتم از خلق جهان بالاترم در مرتبت

این زمان عطار را پروای تنهایی نماند چون به خلوت آمدم زیر و بالایی نماند

خلوت در قرآن:

قرآن کریم این سرچشمه جاری هدایت بشر که جامعه و جمیع حقایق عالم و راهنمای بی نظیر صراط مستقیم است شامل آیاتی نورانی در باب خلوت و گوشه نشینی می‌باشد که به حق باید گفت همچون تمام زمینه‌های دیگر در این زمینه نیز منبع اصلی و سرچشمه زلال معرفت است.

ذکر داستان‌ها و مثال‌هایی از انبیاء الهی و صالحان سلف که تقریباً در تمام سوره قرآن از آن استفاده شده است به سهولت در می‌یابیم که در این داستان‌ها توجه ویژه‌ای به بحث خلوت و اهمیت و خواص و حتی معنای درست آن شده است.

۱- خلوت حضرت موسی (ع)

در سوره مبارکه اعراف زمانی که آن حضرت به همراه بنی اسرائیل از رود نیل گذشت و از شر فرعونیان نجات یافتند خداوند به موسی (ع) امر کرد که برای دریافت تورات و هدایت قوم به مدت سی شبانه روز به کوه طور برود، تا در این خلوت سی روزه که بعداً ده روز به آن افزوده شد برای دریافت این امانت و هدایت بزرگ و گرانقدر الهی آمادگی لازم را کسب

۱- مراحل السالکین، ص ۱۸۵.

کنند، به بیان دیگر خداوند سبحان موسی را در خلوت کلیم خویش نمود و نعمت تورات را به او تفضل داشت.

۲- خلوت حضرت ذکریا (ع)

ذکر خلوت آن جناب در سوره مبارکه مریم بیان شده است: یاد رحمت پروردگارت بر بنده اش ذکریاست هنگامی که پروردگارش را با دعای پنهان خواند.

این مطلب اشاره به زمانی دارد که آن حضرت به سن پیری رسیده بودند و همسرشان نازا بود و مخالفان همواره ایشان را به سبب نداشتن فرزندی که وارث و نبی پس از او باشد مورد تمسخر قرار می دادند. تا بدان حد رسید که حضرت از این همه سرزنش دل شکسته و رنجور گشت و در خلوت با خدای خود آهسته و دل شکسته چنین نجوا کرد که:

«پروردگارا راستی استخوانم سست شده و موی سرم از پیری سپید گشته، پروردگارا هیچ گاه درباره دعا به پیشگاهت از اجابت محروم و بی بهره نبودم و همانا من پس از خود از خویشاوندانم بیمناکم و همسرم از شروع زندگی نازا بوده پس مرا از سوی خود فرزندی عطا کن که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد و او را پروردگارا از هر جهت مورد رضایت خود قرار ده»^۱

۳- خلوت پیامبر اکرم (ص)

در اهمیت خلوت و آثار مرتبط بر آن همین بس که خداوندت به پیامبر عظیم الشان خویش حضرت محمد (ص) نیز امر به خلوت گزیدن در شب می فرماید:

یا ایها المزمّل قم اللیل الا قليلا نصفه اونقص منه قليلا اوزد علیه و رتل القرآن ترتیلا ای جامه بر خود پیچیده، شب را جز اندکی (که ویژه استراحت است برای عبادت) برخیز. نصف (همه ساعات) شب را به عبادت اختصاص ده، یا اندکی از نصف بیغزا و قرآن را شمرده و روشن و با تامل و دقت بخوان.^۲

۱- مریم (۱۹)، آیه ۳-۱

۲- مزمل (۷۳) آیات ۴-۱.

چرا که خداوند پس از این اراده می‌کند تا بر تو آیاتی سنگین از جهت معرفتی و سنگین چون آیات قرآن به تو القاء خواهیم کرد.^۱

و در آیات بعدی به ذکر فواید خلوت کردن در دل شب می‌پردازد که بیداری در شب بهتر و استوارتر است چرا در طول روز تمرکز و فرصت کافی برای خلوت وجود ندارد و این از آداب و شرایط خلوت است. که قرآن کریم به آن اشاره می‌نماید:

بی تردید عبادتی که در دل شب انجام گیرد محکم تر و گفتار در آن استوارتر و درست تر است. ترا در روز برای مشاغل فراوان معنوی و هدایت مردم و حل مشکلات نیازمندان رفت و آمدی طولانی است.

و چون حضرت حق پیامبر (ص) را چنین سفارش می‌کند به بالا بردن آمادگی دل و جان برای دریافت معارف الهی که با خلوت گزیدن در دل شب و راز و نیاز با خداوند حاصل می‌شود بر ما نیز واجب است که از مهم پیروی کرده و جان و دل را در زلال نیایش و عبادت شبانگاهی شستشو دهیم تا شایسته دریافت معارف حقه و در حد سعه و جودی خویش باشیم.

و در ادامه آیات این سوره مبارکه چنین می‌فرماید که در ادامه این خلوت شبانه برای انسان حالات مختلف ذکر از زبانی و قلبی پیش می‌آید تا بدانجا که سالک به انقطاع از خلق و اتصال به حق جل اعلی واصل می‌شود و در دل خویش تنها با یاد او آرام می‌کند چنان که امید بر هیچ در نمی‌بندد و دست نیاز تنها به درگاه حضرت رب دراز می‌کند و خانه دل از اغیار تهی گشته، منزلگه حق می‌شود و سراسر مملکت جان به رایت لاله الا... فتح می‌شود و چون آنجا سرای حکومت... پروردگار مشرق و مغرب شد جنود باطل از آن رخت بریسته و حکومت توحیدی بر وجودش مسلط شده و او را از رنج کثرتها و آفت غفلتها می‌رهاند.

خلوت در روایات

در آثار چله نشینی و خلوت گزینی همین بس که حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند:

۱- همان، آیات ۵-۸.

هر کس چهل روز از بهر خدای تعالی از سر اخلاص خلوتی برآورد، چشمه‌های حکمت از دل او به زبان او ظاهر می‌شود.

در باب منزلت فردی که خلوت می‌گزیند نزد خدای تعالی از ایشان روایت شده که: «خدا دوست دارد بنده پرهیزکار پنهان را.»^۱

حضرت امام صادق (ع) در مصباح الشریعه در باب فواید عزلت و خلوت فرموده‌اند: «گوشه نشین در صحن خدا متحصن و در حفظ و حمایت او محفوظ است، پس خوشا به حال او اگر در ظاهر و باطن از همه کس جدا و بیگانه باشد.»^۲

انواع خلوت:

خلوت ظاهر و خلوت باطن

اهمیت بحث انواع خلوت گزینی به حدی است که جمیع عرفا و بزرگان در آثار خود به آن اشاره کرده‌اند.

شیخ محیی الدین ابن عربی در بیان انواع خلوت چنین می‌گوید: «عزلت را دو قسم است، عزلت مریدین بالاجسام از مخالطت اغیار و عزلت محققین به دل از اکوان»^۳ این مطلب اشاره به این دارد که خلوت به دو قسم عام و خاص می‌باشد که به بیان علامه حسینی طهرانی «خلوت، آن چه آن را عزلت نیز می‌گویند عبارت است از کناره گیری از غیر اهل ... از مردمان از نسوان و طفلان و عوام و ارباب عقول ناقصه و اهل عصیان طالبین دنیا، مگر به قدر ضرورت و حاجت.»^۴

«اما خلوت خاص عبارت است از دوری از جمیع مردم.»

به تعبیر دیگر «خلوت ظاهر و باطن است، خلوت ظاهر آن است که خلق را رها کنی و روی به دیوار آری تا پرورش جان سپاری.»

۱- راه روشن، ص ۹۱.

۲- لب اللباب، ص ۳۵.

۳- رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب، ص ۱۲۹.

۴- مکتوبات صدی، گردآورنده: زین بدر عربی، صص ۴۸ و ۴۹.

و این همان «در خلوت نشستن و حواس جمع داشتن و نگرستن در مصنوعات با بصیرت است و تفکر و اعتبار صفت است»

اما خلوت باطنی چیست؟ آنکه اندیشه اغیار از دل بروبی. آنکه یک ذکر و یک فکر شوی تا نام دیگری و اندیشه بر خود حرام شمرد.

در خلوت باطن که همان خلوت دل از اغیار است سالک باید که خواطر خویش جمع کند تا آنگاه که از روزن الهام در افتد و او آنجا در معنی حاصل گردد.

پس در خلوت ظاهر سالک دور از مردم در زاویه‌ای خلوت به تنهایی نشیند تا او را اطلاع بر عالم ملکوت حاصل شود زیرا حواس ظاهره از کار باز داشته شود و حواس باطنه به مطالعه آیات ملکوتی می‌پردازد.

و نوع دوم خلوت باطنی است: یعنی آنکه باطن سالک در مشاهده اسرار حق باشد و خلوت در انجمن یا خلوت در جلوت همین نوع دوم خلوت است.

یکی از بزرگان در شرح خلوت و انجمن گفته است: «خلوت در انجمن آن است اشتغال و استغراق و ذکر به مرتبه‌ای رسد که اگر به بازار در آید، هیچ سخن و آواز نشنود به سبب استیلاء ذکر بر حقیقت دل.»^۱

از شاه نقشبند پرسیدند که در طریق شما ذکر جهد و خلوت نیست، پس بنای طریق شما به چیست؟ فرمود که به ظاهر با خلق و به باطن با حق، و این شعر را خواند:

از درون شو آشنا وز برون بیگانه شو کاین چنین زیبا روش می‌بود اندر جهان

«باید دانست که خلوت در انجمن بر تقدیری است که درهای خلوت خانه وطن را بر بسته باشد و روزنه‌ها را مسدود ساخته باشد، یعنی در انجمن تفرقه ملتفت احدی نگردد و متکلم و مخاطب نباشد، نه آنکه چشم را بپوشاند و حواس را به تکلف معطل سازد که آن منافی این طریق است.»^۲

۱- همان، ص ۱۸۰.

۲- همان، ص ۱۸۱.

حقیقت خلوت

در حقیقت خلوت نشینی و عزلت‌گزینی که حق آن چیست و باطن آن کدام این را می‌دانیم که در اصول عالی اسلام و معارف حق الهیه، تکلیف مالایطاق و وظیفه‌ای که از استعالات انسان خارج باشد وجود ندارد و این را نیز می‌دانیم که در اسلام عزیز قاعده و قانونی که کمترین ضربه و لطمه را به زندگی واقعی انسان چه در جهت دنیا و چه در جهت آخرت بزند وجود ندارد و اگر به عنوان یک قاعده اسلامی در کتب اسلامی باشد جعلی و غیر قابل قبول است. این را نیز می‌دانیم که کناره‌گیری کامل انسان، به طوری که آدمی با هیچ کس در هیچ شانی معاشرت و مخالطت نداشته باشد، امکان ندارد و به هیچ عنوان عملی نیست. در قرآن مجید و روایات اصیل و (نهج البلاغه) مسئله عزلت و گوشه‌گیری به عنوان یک عامل بسیار مهم سعادت مطرح است.

از آنجا که مسئله عزلت در قرآن و روایات در رابطه با سعادت انسان مطرح شده باید براحتی و بدون شک و تردید گفت: منظور از عزلت در معارف الهیه، عزلت و گوشه‌گیری از عامل خطر و برنامه ایست که برای خیر دنیا و آخرت انسان ضرر دارد آنچه که در طریق سعادت و سلامتی آدم است، کناره‌گیری از آن موردی ندارد بلکه حرام شرعی و عقلی است چنانچه عزلت از عوامل خطر واجب و ضروری است.

مواردی را که باید از آن عزلت گرفت چون آفتاب روشن در آیات قرآن و روایات بیان شده که مجموع آنها را در عناوین زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- عزلت از گناهان شخصی، بدون شک، عزلت جستن و گوشه‌گیری از فواحش ظاهر و باطن که عبارت است از: زنا، لواط، ظلم، پرده‌داری، خودآرایی زن برای دیگران، دروغ، غیبت، تهمت، حسد، شرک، عقوق والدین، قتل نفس محترمه، خوردن مال یتیم. انسان مکلف و موظف است که از کلیه این امور چه در خلوت و چه در جلوت بپرهیزد که هر یک از این گناهان عامل خطری برای رسوایی انسان در دنیا و معذب شدن او در آخرت است.

۲- عزلت و گوشه‌گیری از شهری که انسان در آن شهر یا مملکتی که در آن مملکت قدرت حفظ دین خود را ندارد که از این عزلت و گوشه‌گیری در آیات و روایات تعبیر به مهاجرت شده و به این نحو عزلت، قرآن مجید در بسیاری از آیات امر موکد و دستور واجب دارد.

۳- عزلت از گناهکاران، کناره جویی و عزلت از گروهی که غرق در انواع معاصی و گناهانند و انسان از هدایت آنان به تمام معنی ناامید شده ادامه معاشرت با آنان ممکن است اثر سویی به حال و اخلاق و ایمان انسان بگذارد که بدون تردید روایت حضرت صادق (ع) در فصل بیست و چهارم کتاب با عظمت «مصباح الشریعه» بیشتر ناظر به این مورد سوم است. آنچه به عنوان شرح و توضیح و تفسیر عزلت می‌آید ناظر بر قسمت سوم از معنای عزلت است یعنی کناره‌گیری و عزلت از تبه‌کاران و فاسدانی که امید هدایت آنان به هیچ وجه نمی‌رود و آمیزش انسان با آنان باعث دور ماندن انسان از خیر دنیا و آخرت است و چنین عزلتی اگر در جوامع اسلامی به وسیله خوبان است نسبت بدان و بدکاران صورت بگیرد میدان عصیان و گناه از آنان گرفته می‌شود و قدرت معصیت و تجاوز از آنان سلب می‌شود. چنانچه بنا به نقل قرآن در سوره توبه، رسول گرامی اسلام صلی ا... علیه و آله و مسلمانان با عزلت از سه مختلف، باعث ادب و تربیت و توبه و بازگشت آنان به حق شدند.

در حقیقت عزت در فرهنگ اسلام، همان ترک مراد و معاشرت با اهل گناه است که فقهای عظام در کتاب فقهی در باب امر به معروف و نهی از منکر عنوان فرموده‌اند:

برو گنجی گزین و توشه‌ای گیر ز مردم تا توانی گوشه‌ای گیر
چو خو کردی به تنها ماندای دوست شوی آگه که تنهایی چه نیکوست
چون مردمک دیده ما گوشه نشین شو در زاویه چشم درآو همه بین شو

فوائد خلوت

خلوت نشینی از آداب لازم سلوک است و همان دوری از خلق به قصد عبادت و ریاضت است تا سبب آن حالت انقطاع و جمعیت خاطر و تمرکز فکر حاصل می‌شود.

سنت خلوت نشینی از سنت پسندیده‌ی انبیاء و اولیاست چنان که حضرت موسی (ع) چهل شب و روز به میقات رفت و از خلق و خلائق دوری گزید همین طور حضرت عیسی (ع) ادب خلوت نشینی را رعایت می‌کرد.

حضرت محمد (ص) نیز سالی یک ماه در غار حراء خلوت می‌گزید و به ذکر و تعبد می‌پرداخت. آن حضرت در آستانه بعثت نیز میل فراوانی به خلوت داشت تا بدانجا که قریشیان به طعن و تعریض می‌گفتند «ان محمدا عشق ربه» محمد عاشق پروردگارش شده است.

در خبری معروف آمده است: هر که برای خداوند چهل بامداد خالص و بی شائبه باشد چشمه ساران حکمت و فرزنگی از قلبش جوشیدن گیرد و بر زبانش جاری گردد. بنابراین حکمت و خلوت نشینی آن است که پس از اتمام این دوره جویبار حکمت از دل او بجوشد و بر زبانش جاری گردد.^۱

فایده نخست خلوت:

خلوت یکی از حقایق ادیان است. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که حضرت فرمودند: «انسان تمام حقیقت ایمان را درک نمی کند مگر اینکه در نزد او گناهی از شهرت و دارایی اندک از دارایی زیاد پسندیده تر باشد»^۲

فایده دوم خلوت:

رهایی یافتن از ریا

کسی که با تنهایی انس نگیرد و با مردم مأنوس گردد از ریا رهایی نیافته است، ریا، درد کشنده ایست که برای اوتاد و ابدال دوری از آن کشنده است و هر که با مردم معاشرت کند با آنان مدارا می کند و هر که با مردم مدارا کرد با آنها ریا کند و هر که با آنها ریا کند و دچار آن شود که آنها شده اند و هلاک شود و همانطور که آنها هلاک شده اند و کمترین پیامد آن دورویی است زیرا اگر با دو نفر تجاوزگر معاشرت کنی و با هر کدام خلاف میلشان برخورد کنی مبعوض هر دو خواهی شد و اگر با هر دو به تسامح رفتار کنی از جمله مردمان بد و دو رو خواهی بود.

فایده سوم خلوت:

رهایی یافتن از مردم و حفظ دین

۱- اسرار عدد چهل، ص ۲۸.

۲- رساله قدسیه، ص ۴۱.

رهایی از شر مردم از جمله مهمترین فواید خلوت است زیرا آنان گاهی با غیبت کردن و با بدگمانی و تهمت و گاهی با سخن چینی و دروغگویی انسان را می‌آزارند اما اگر از آنها عزت‌گزینی از حفظ خود نسبت به تمامی اینها بی‌نیاز خواهی بود.

فایده‌ی چهارم:

حفظ آبرو

این مطلب اشاره به فایده دیگری از گوشه نشینی دارد که همانا دوام پرده پوشی است، روی دیانت، جوانمردی، اخلاق، تنگدستی و سایر چیزهایی که باید پوشیده بماند و خدای سبحان، پرده پوشان را ستوده و فرموده است: فرد ناآگاه آنان را از شدت پارسایی و عفتی که دارند توانگر و بی‌نیاز می‌پندارد.

فایده پنجم خلوت:

رهایی از گناهان مردم

کمترین فایده خلوت گزیدن آن است که شخص سلامت یابد از بسیاری از آفت‌ها، هم از نفس خود هم از دیگران بدین جهت است که گفته شده: اگر در جماعت فضیلت است در عزت سلامت است.

و فواید دیگری از جمله نزدیک: نزدیک ترین راه به سوی آسودگی، آسان ساختن زندگی، و اینکه خلوت‌گزینی عافیت است از حضرت علی (ع) روایت شده است که حضرت فرموده‌اند: «زمانی بر مردم فرا خواهد رسید که در آن زمان عافیت دارای ده جزء است، نه جزء آن در عزت و یک جزء آن در سکوت است.»^۱

آفات خلوت نشینی

هیچ یک از اهل طریقت به طور کامل مخالف با اصل خلوت‌گزینی نمی‌باشند به گونه‌ای که تیشه به ریشه این مهم زده و اصل و پایه آن را بی‌اساس دانسته و بحث در باب آن را مختوم می‌شمارند.

۱- راه روشن، ص ۳۱.

هر یک از ایشان در رساله خود بابتی در موضوع خلوت نشینی گشوده‌اند و آن را از لوازم سیروسلوک در عرفان عملی دانسته‌اند. آن چه در خور توجه است آن است که علاوه بر معاش خلوت‌گزینی به شیوه‌های نادرست زهد ورزی و خلوت نشینی توجه شده است و بدعت‌هایی که برخی فرق در این زمینه ایجاد نموده‌اند، که به گزیده‌های از آفات اشاره می‌کنیم:

آفات خلوت نشینی:

۱- عدم تشخیص دنیای مذموم از دنیای ممدوح و خلط این دو

شخص عامی نکوهش دنیا را از زبان قرآن و حدیث می‌شنود و بر آن می‌رود که نجات و ترک دنیا است و نمی‌داند آن دنیای مورد نکوهش چیست و کدام است، ابلیس او را می‌فریبد که در آخرت نخواهی رست جزئی با ترک دنیا.

دنیای مذموم آن است که به ناروا به دست آرند، بی‌جا خرج کنند و خواست‌ها و آرزوهای نامشروع نفس را بر آورند اما تنها سر به کوه و بیابان گذاشتن شرعاً ممنوع است. حتی پیغمبر (ص) تنها خفتن مرد را منع فرموده و دور شدن از عالمان همه زیان است و جز عاق والدین شدن که از گناهان کبیره است هیچ سودی ندارد.

۲- گرفتاری به ریا و تکبر

از فریب‌های ابلیس ریا کاری نهان است. ریا کاری‌های آشکار همچون لاغر شدن تن و زرد چهرگی و .. اما شیطان به خفی‌تر از این اشاره می‌کند و فرمان می‌دهد آن ریا در نیت است که انما الاعمال بالنیات.

۳- دور ماندن از آداب و شعور اسلامی

چنین آدمی را به دیدارش می‌آیند و بازدید نمی‌کنند و به عیادت مریض و تشییع جنازه نمی‌رود و امریان به ملاقاتش می‌شتابند و عوام بر او گرد می‌آیند و دستش می‌بوسند و مریدانش به آن متعذر می‌شوند که عادت شیخ ما بر این است معذورش دارید این چه عادت است که خلاف دیانت است.

۴- دور ماندن از فضائل اخلاقی

و گروهی از زاهدان خاموشی پیش می‌گیرند و از آمیزش با اهل خانه دوری می‌کنند و با عبوس و گرفتگی روح آنان را می‌آزارند و گفتار پیغمبر (ص) را فراموش کنند که «خانواده‌ات را بر تو حقی است»^۱

۵- گرفتاری به عجب

گروهی دیگر از آنان گرفتار عجب شده و اگر به او بگویند که تو از اوتادی باور کن و منتظر ظهور کرامت از خوش است.

۶- نکوهش علم و عالمان

از جمله فریب‌های ابلیس بر زاهدان یکی هم این است که عالمان را نکوهش می‌کنند که مراد از علم، عمل است و این را نمی‌دانند که علم روانشناسی دل است و اگر مقام عالم را که در حفظ شریعت مقام انبیاست شناخته بود و خود در مقیاس با عالمان چون لال در برابر گویا و کر در برابر بینا می‌شمرند.

هنر مردان الهی این است که دنیا می‌آیند اما به رذائل دنیا آلوده نمی‌شوند و خاکیان مانده در خواب غفلت را به سوی افلاک فرا می‌خوانند و با نگاه و کلام و پیام خود عالمی را منقاب می‌کنند اما خود به هیچ باد و طوفانی نمی‌لرزند و خسته و ملول از نامردی‌های روزگار می‌شوند اما گردوغبار خستگی بر چهره آنان نمی‌نشیند و در آب دریا می‌نشینند اما دامن تر نمی‌کند.

گر موج خیز دو حادثه بر فلک زند عارف به آب تر نکند رخت و پخت خویش

از این رو شیعه در عرفان، سلوک عملی را ترویج می‌کند اگر چه برای هر انسان مسلمان خلوت و عزلت به منظور عبادت و درد و دل کردن با محبوب حقیقی و گریه‌های ناکرده بسیار مفید و ضروری است اما این خلوت نباید با انزوی عرفا که افرار از مسئولیت‌های اجتماعی و بی‌تفاوتی در برابر موقعیت انسانها است خط شود.

۱- تلبیس ابلیس، ص ۴۱.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابن جوزی، ابوالفرج، تلبیس ابلیس، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، نشر: مرکز دانشگاهی تهران ۱۳۸۶.
- ۲- آشتیانی، محسن، اسرار عدد چهل، نشر: فقه، قم، ۱۳۷۷.
- ۳- انصاری، خواجه عبدا...، منازل السائرين، به کوشش محمد عماد مفید، نشر: مولی، تهران ۱۳۸۳.
- ۴- پارسا، خواجه محمد، رساله قدسیه، به کوشش ملک محمد اقبال، نشر: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، تهران ۱۳۵۴.
- ۵- حسین طهرانی، سیدمحمدحسین، رساله لب اللباب در سیروسلوک اولی الالباب، نشر: علامه طباطبائی، مشهد ۱۳۴۵.
- ۶- فیض کاشانی، ملا محسن، راه روشن، ترجمه: محجة البيضاء، ترجمه: سید محمد صادق عارف، نشر: آستان قدس رضوی، تهران، ۱۳۷۲، ج ۲.
- ۷- مجذوب علیشاه همدانی، مراحل السالکین، انتشارات نعمت اللهی، تهران، ۱۳۵۱.
- ۸- منصوری لاریجانی، اسماعیل، سیری بر اندیشه‌های عرفانی امام خمینی، نشر: آیه، تهران ۱۳۷۷.
- ۹- منیری، احمدبن یحیی، مکتوبات صدی، بمبئی، چاپ سنگی، ۷۸۲ ق.